

ارزیابی کارایی کارگاه‌های آموزشی بر آینده شغلی دانش‌آموزان هنرستان‌های شهرستان مهاباد

محمد امینی آذر^۱، توران محمدپور^۲، عبدالله محمودی آذر^۳، مریم احمد اقدم^۴، مصطفی احمد اقدم^۵

چکیده

در این پژوهش هدف اصلی ارزیابی کارایی کارگاه‌های آموزشی بر آینده شغلی دانش‌آموزان هنرستان‌های شهرستان مهاباد بوده است. روش تحقیق پژوهش با توجه به هدف کاربردی و با توجه به نحوه گردآوری اطلاعات همبستگی است. جامعه و نمونه آماری تحقیق را کلیه دانش‌آموزان آموزش مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان مهاباد در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ تشکیل می‌دهند که تعداد آنها ۱۳۹۳ نفر است. حجم نمونه آماری با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای ۳۰۰ نفر برآورده شده و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد. ابزارهای پژوهش: برای گردآوری اطلاعات آماری و داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. روایی ابزار اندازه‌گیری و پایایی پرسش‌نامه اثر سنجی سؤالات کارگاه‌های آموزشی ۰/۷۶ و پایایی پرسش‌نامه تأثیرگذاری کارگاه‌های آموزشی بر آینده شغلی دانش‌آموزان ۰/۶۹ برآورد گردید که حاکی از پایایی بالای ابزارهای مورد استفاده می‌باشد. برای میزان پایایی تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش توصیفی (اطلاعات جمعیت شناختی) و استنباطی (آزمون T و رگرسیون) برای بررسی تأثیر کارگاه‌های آموزشی بر آینده شغلی دانش‌آموزان استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از این است که کارگاه‌های آموزشی در سازمان فنی و حرفه‌ای بر آینده شغلی دانش‌آموزان تأثیر دارد.

کلمات کلیدی: مهارت‌های شغلی، آینده شغلی، دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای شهرستان مهاباد

¹ نویسنده مسؤل، کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، معاون آموزش ابتدایی، ۰۹۱۴۴۴۹۳۷۵، mohamadaminiazar376@gmail.com

² کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، آموزگار ابتدایی twranmhmdpwr36@gmail.com

³ کارشناس آموزش ابتدایی، آموزگار ابتدایی A.20483347@gmail.com

⁴ کارشناسی روانشناسی عمومی، آموزگار ابتدایی <mailto:Kazhvan66@gmail.com>

⁵ کارشناسی ارشد آنالیز ریاضی، آموزگار ابتدایی <mailto:Kazhvan66@gmail.com>

مقدمه

اشتغال از جمله شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی هستند که در دوره‌های مختلف زمانی در همه کشورهای جهان مورد توجه بوده و از دل مشغولی‌های سیاست‌گذاران و اقتصاددانان هر کشور محسوب می‌شوند. یکی از مهم‌ترین دلایلی که موجب شده سیاست‌گذاران و اقتصاددانان به این شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی توجه عمده‌ای داشته باشند، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی مربوط به بیکاری مانند افزایش فقر، بزهکاری، اختلافات خانوادگی، نرخ طلاق، مسائل زیست‌محیطی و دیگر مسائل است. بر این اساس، بازار کار که در آن تعادل بین عرضه و تقاضای نیروی کار مطرح است، در قلمرو توجه دولت‌ها و اقتصاددانان قرار می‌گیرد. به طوری که این بازار به دلیل تعاملی که با بازارهای چهارگانه‌ی اقتصاد کلان دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ بنابراین با توجه به مسائل اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی که در رابطه با وضعیت اشتغال و بازار کار مطرح می‌شود، دولت‌ها باید همیشه به دنبال سیاست‌هایی باشند تا به نحوی بتوانند وضعیت اشتغال را طوری تنظیم کنند که هیچ معضل اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی ایجاد نشود. توسعه اقتصادی و اجتماعی نیازمند استفاده بهینه و پایدار از منابع تولید است. یکی از منابع بااهمیت و مهم در اقتصاد، نیروی انسانی است. نیروی انسانی نقش دوگانه‌ای در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی ایفا می‌کند، زیرا از یک سو، به عنوان عامل توسعه و از سوی دیگر، به عنوان هدف توسعه یعنی ارتقای شاخص‌های نیروی انسانی مطرح است. مسائل مربوط به نیروی انسانی هم جنبه اقتصادی و هم جنبه غیراقتصادی دارند؛ بنابراین در برنامه‌ریزی‌های کلان، نیروی انسانی اهمیت چشمگیری دارد.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند. این آموزش‌ها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده‌دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصاد این کشورها هستند، بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی، به حل مشکل بیکاری نیز کمک می‌نمایند. از آنجایی که یکی از دلایل بیکاری در کشور، فقدان مهارت‌های مورد نیاز بازار کار از سوی جویندگان کار است، انتظار می‌رود سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور که بر اساس ماده ۱۲۷ و ۱۲۸ قانون کار، متولی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای غیررسمی / کوتاه‌مدت، آموزش‌های مهارتی در بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی می‌باشد، بتواند نقش بسزایی را در کاهش نرخ بیکاری ایفا کند. تربیت نیروهای ماهر در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای هم نیازمند بسترسازی و مهیاکردن شرایط و زیرساخت‌های از یک طرف و نیازسنجی بازار کار برای پیوند بین نظام آموزشی و بازار کار می‌باشد. تا زمانی که برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران این عرصه نتوانند شرایط و زمینه‌های پیوند بین این دو عرصه را فراهم کنند، آموزش‌ها و دوره‌های برگزار شده در این راستا مثر ثمر نخواهد بود. از این رو، در این پژوهش کوشیدیم تا به بررسی تأثیر کارگاه‌های آموزشی سازمان فنی و حرفه‌ای بر اشتغال آنان در بازار بپردازیم.

بیان مسئله

امروزه رشد فزاینده حجم نیروی کار، فقدان ارتباط کافی و عدم هماهنگی بین نظام آموزش و بازار کار، عدم تناسب رشد اقتصادی و ظرفیت‌های اشتغال‌زایی جامعه با رشد دانش‌آموختگان، افزایش میزان مشارکت نیروی کار در جامعه، فقدان مهارت‌های مورد نیاز بازار کار از سوی فارغ‌التحصیلان و فقدان اطلاعات مورد نیاز بازار کار باعث گردید تا موضوع اشتغال از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران جوامع در حال توسعه از جمله ایران به شمار آید (هرندی، ۱۳۹۴).

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند. این آموزش‌ها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده‌دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصاد این کشورها می‌باشند، بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی، به حل مشکل بیکاری نیز کمک می‌نمایند. به علاوه، این آموزش‌ها راه میان بری در مسیر تربیت نیروی انسانی نیز به شمار می‌روند، چرا که از یک سو با توجه به بهره‌مندی این آموزش‌ها از مبانی علمی و استفاده از روش‌های پذیرفته شده آموزش‌های کلاسیک راه خود را از یادگیری بر مبنای تجربه عملی مصرف جدا کرده و از این طریق راه درازمدت و غیرعلمی این نوع فراگیری را کوتاه نموده و این توانایی را در آموزش‌دیده فراهم می‌کنند تا به تواند خود را در مقابل تغییرات تکنولوژیکی به‌آسانی هماهنگ نماید. از سوی دیگر این آموزش‌ها با توأم نمودن آموزش‌های نظری و عملی این امکان را

برای آموزش دیده فراهم می‌نمایند که همسویی بیشتری با نیازهای بازار کار داشته و از این طریق امکان بیشتری برای جذب آنها در فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی فراهم گردد (شاکری و همکاران، ۱۳۹۸).

این آموزش‌ها همچنین از مزیت بازدهی در کوتاه‌مدت و یا میان‌مدت برخوردار می‌باشند. در حالی که آموزش‌های کلاسیک به دلیل هزینه بالا، طولانی بودن دوره آموزش، سهم زیاد آموزش‌های نظری در آنها و در نتیجه بهره‌مندی اندک از عملیات کارگاهی، از جهت هماهنگی با نیازهای بازار کار و لذا جذب در آن دچار مشکل می‌باشند. به همین دلیل کشورهای جهان توجه روزافزونی را به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مبذول داشته‌اند، به طوری که این آموزش‌ها حتی به درون آموزش‌های آکادمیک این کشورها نیز نفوذ کرده است (جلیلیان و همکاران، ۱۳۹۶).

مزیت‌هایی که برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مورد اشاره قرار گرفت منوط به وجود برخی شرایط در ارائه این آموزش‌ها می‌باشد که از آن جمله می‌توان به ضرورت برنامه‌ریزی مدون برای این آموزش‌های برخوردار از امکانات و تجهیزات کارگاهی مناسب، انتخاب دانش‌آموزان بر اساس توانایی‌های عمومی و انگیزه‌های قوی، استفاده از مربیان مجرب و علاقه‌مند، سهم مناسب آموزش‌های عملی و نظری در این دوره‌ها و طراحی زمان مناسب برای هر یک از دوره‌ها اشاره نمود (سفیدگر و همکاران، ۱۳۹۰).

پژوهش حاضر با توجه به درک واقعیات موجود در پی پاسخ این سوال است که آیا برگزاری کارگاه‌های آموزشی بر آینده شغلی دانش‌آموزان هنرستان‌های شهرستان مهاباد تأثیرگذار است؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

مطابق چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور نظام آموزش رسمی کشور وظیفه دارد در یک دوره دوازده‌ساله افرادی با حداقل یک مهارت برای اشتغال مؤثر تربیت کند. شرایط کنونی نظام آموزشی کشور به گونه‌ای است که افراد خروجی این نظام نه تنها یک مهارت مؤثر و متناسب برای اشتغال ندارند، بلکه در زمینه مهارت‌های لازم اجتماعی و خانوادگی نیز دارای مشکل هستند. حاکمیت تفکر کتاب محوری، تدوین برنامه‌های درسی بدون ارتباط نظام‌مند با بازار اشتغال و کار کنونی و آینده در آموزش و پرورش سبب شده برنامه‌های درسی بدون توجه عناب به نیاز و اقتضائات کشور، طراحی و اجرا شوند. لازمه نهادینه‌شدن فرهنگ آموزش مهارتی وجود تمام اطلاع‌رسانی در مورد مشاغل و مهارت‌های مورد نیاز کشور در آینده است. بدون وجود چنین نظام اطلاع‌رسانی به دانش‌آموز و نه اولیای او می‌تواند در خصوص انتخاب دور مهارت‌آموزی تصمیم درست اتخاذ نمایند. نظام‌های تربیت نیروی انسانی کشور ارتباط منظم و ساختاری به بازار کار نیروی انسانی کشور چه در سطح ملی و چه در سطح استانی و منطقه‌ای ندارند. نظام مهارت‌آموزی به این معنی است که اگر بنا باشد یک کارخانه با صنعت جدیدی در یک شهرستان راه‌اندازی شود، باید هم‌زمان با آغاز عملیات عمرانی آن کارخانه، نهادهای آموزشی همان منطقه نسبت به برنامه‌ریزی برای تربیت مهارت‌آموختگان مورد نیاز آن منعت از دانش‌آموزان (دانشجویان) همان منطقه اقدام نمایند.

عدم هدایت صحیح دانش‌آموزان برای کسب مهارت از یک سو اتلاف عمر گران‌بهای دانش‌آموزان را سبب می‌شود و از سوی دیگر نیز اتلاف سرمایه ملی کشور است. با استقرار رویکرد تربیت نیروی انسانی بر مبنای نیاز منطقه، استان و کشور می‌توان امید داشت که نه تنها موضوع اشتغال تا حدی سامان یابد، بلکه موضوع مهاجرت‌های شغلی و برخی مسائل مرتبط با مهاجرت نیز تا حدی مرتفع گردد. افزایش دادن سطح مدارج تحصیلی برای اشتغال و عدم توجه به مهارت‌آموزی دانش‌آموزان دارای تبعات سنگین اجتماعی و اقتصادی برای کشور است. به صورت کلی اگر مهارت‌آموزی دانش‌آموزان را هدف اصلی برای اثربخشی کارگاه‌های آموزشی قرار داد به راحتی می‌توان با پیوند این عرصه با بازار کار، ضمن تربیت نیروی انسانی مؤثر و کلیدی از اتلاف هزینه و زمان نیز صرفه‌جویی کرد. از آنجاکه دانش‌آموزان در آینده کشور به عنوان سرمایه اصلی به حساب می‌آیند، تحقیق حاضر می‌تواند در زمینه افزایش سطح مهارت و بهینه‌سازی این گروه نقش اساسی داشته باشد.

هدف تحقیق

۱- ارزیابی کارایی کارگاه‌های آموزشی بر آینده شغلی دانش‌آموزان هنرستان‌های شهرستان مهاباد.

فرضیه تحقیق

۱- برگزاری کارگاه‌های آموزشی بر آینده شغلی دانش‌آموزان هنرستان‌های شهرستان مهاباد تأثیرگذار بوده است.

مبانی نظری تحقیق

تعریف آموزش

منظور از آموختن، عمل با مجموعه‌ای از اعمال است که موجب می‌شود فردی مهارت، دانش و بینش لازم را برای انجام کاری فراگیرد. با توجه به تعاریف ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت که آموزش یک استراتژی است که با هدفی خاص و جهتی مشخص در طول زمان اجرا می‌شود، می‌توان آموزش را جریانی دانست که افراد طی آن حمایت‌ها، طرز تلقی‌ها و گرایش‌های مناسب را برای ایفای نقش خاصی می‌آموزند: جریان آموزش شامل محتوی و جهت و تأکیدهای خاص است که طی این جریان، معلومات در ذهن فرد جایگزین شده و با آگاهی‌های قبلی وی تلفیق می‌شوند و در نتیجه در رفتار و نحوه دید فرد تغییراتی به وجود می‌آید که این مفهوم را نیز به این صورت بیان می‌کند. آموزش نه تنها از حقوق اولیه و اصلی انسان است؛ بلکه جزء اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز هست و در صورتی که برنامه‌ریزی آن به شایستگی انجام پذیرد می‌تواند بازده اقتصادی زیادی به‌ویژه در کشورهای فقیر داشته باشد (سفیدگر و همکاران، ۱۳۹۹).

بدون تردید آموزش و پرورش تأثیری آشکار در افزایش تولید و درآمدها دارد و در این میان آموزش متوسطه به‌ویژه آنچه جنبه فنی و حرفه‌ای دارد از مقوله سرمایه‌گذاری تولیدی و وسیله توسعه اقتصادی قلمداد می‌شود. همان‌طور که از آموزشگاه‌ها و هنرستان‌ها انتظار می‌رود باید به عنوان مراکز تولید کار عمل کنند و دانش‌آموزان کارآفرین (نه متقاضی کار) تربیت نمایند. آموزش به‌ویژه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای وسیله‌ای در خدمت به نیازهای توسعه‌ای جامعه است، کشورهای زیادی این آموزش‌ها را بخشی از سیستم آموزش مدرسه‌ای رسمی خود کردند. آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح متوسطه اهداف بی‌شماری دارد این اهداف شامل آموزش مهارت‌های محدود برای تربیت افرادی با مهارت‌های شغلی برای کار در شغل‌های خاص یا دسته‌ای از شغل‌ها تا بالابردن سطح آموزش عمومی می‌باشد (نورالدین، ۲۰۱۹).

تاریخچه پیدایش سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای

آموزش فنی و حرفه‌ای از قدیم در جوامع بشری وجود داشته و با تحولات صنعتی تغییر یافته، سال‌ها قبل صنعتگران شاگردانی برای خود تربیت می‌کردند که جایگزین آنها می‌شدند با افزایش جمعیت و توسعه شهرها صنایع شاخه‌های بیشتری تقسیم شدند، امروزه دنیای صنعت مجموعه پیچیده‌ای از فن و هنر می‌باشد که شناخت اجزای آن احتیاج به دانشی عظیم دارد طی سالیان دراز مهارت‌آموزشی از حالت استاد شاگردی خارج شده و شکل علمی‌تری به خود گرفته است و همین عامل موجب گشته که مراکز آموزشی تشکیل گردد. این مراکز طی چندین سال به دو بخش تقسیم شده‌اند. یک بخش کارآموزشی را طبق روال آموزش عمومی انجام داده، علاوه بر آموختن مهارت مورد نظر آن را از جنبه علوم نظری نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. در این نوع آموزش بیشتر به جنبه نظری توجه می‌شود تا آموزش فنی و همچنین بعد از تمام شدن دوره راهنمایی همانند سایر رشته‌های دوره متوسطه تدریس می‌شود. پس از اتمام دوره نیز محصلین موفق به اخذ دیپلم می‌گردند. آموزش‌دیدگان بعد از پایان دوره می‌توانند جذب بازار کار شده و یا با احراز شرایطی وارد دانشگاه شوند. گرچه تا قبل از انقلاب صنعتی و توسعه صنایع ماشینی تعلیم و تربیت کمتر در قالب مفاهیم مادی و اقتصادی قرار گرفته، اما تاریخ تعلیم و تربیت مبین این است که آموزش و پرورش رسمی ریشه در سال‌های قبل از انقلاب صنعتی دارد، تا اواخر سده هفدهم تعلیم و تربیت تنها به قشرهای خاصی تعلق داشت و توده مردم از آن بی‌بهره بودند آموزش در مدارس قلمرو کلیسا با مؤسسات خیریه صورت می‌گرفت و به‌گونه‌ای سطحی به تربیت دینی کودکان می‌پرداختند. تعلیم و تربیت کودکان، کار فرعی افرادی چون خادمان کلیسا، زنان کهن‌سال ... و حتی زندانیان محسوب می‌شد که شرایط لازم را برای معلمی نداشتند. در اواخر سده هجدهم مقدمات ایجاد مدارس خاصی برای تربیت معلمان در برخی از نقاط آلمان فراهم شد و کلیسای انگلستان نیز انجمن‌هایی برای تربیت معلمان مورد نیاز مذهبی به وجود آورد. در سده هجدهم جنبش وسیعی علیه کلیسا و دولت صورت گرفت، جنبش بر ضد کلیسا و استبداد فکری و روحی و علیه دولت برای به دست آوردن حقوق بشر به طور کلی در سده هجدهم و نوزدهم سه جریان مهم باعث دگرگونی عظیم مدارس و تحول آنها به صورت امروزی شده است که عبارت‌اند از ظهور جان

لاک و تأثیر عقاید او (۱۶۳۲-۱۷۰۴)، ظهور ژان ژاک روسو و تأثیر عقاید او (۱۷۷۸-۱۷۱۲)، انقلاب صنعتی نظریه تربیتی لاک بر چهار اصل سودمندی، عقلانی بودن تمرین و تجربه مستقیم استوار است. لاک مهارت‌های دستی و حرفه‌ای را تنها از طریق بکار بردن وسایل و ابزار و شرکت در آن حرفه می‌داند. عقاید جان لاک سرآغاز عصر روشنائی بود و تحولات مهمی را در طرز فکر و آموزش و پرورش مردم اروپا ایجاد نمود. روسو از نخستین کسانی بود که از حقوق فرد در تعلیم و تربیت سخن گفت و می‌گوید انسان باید خود سرنوشت خویش را تعیین کند و تحقق خصلت‌های اجتماعی خود را عهده‌دار شود. از نظر اجتماعی، عقیده روسو در باره آموختن هنر و کاردستی به افراد به‌منظور مستقل شدن آنها در زندگی، منشأ تربیت حرفه‌ای قرار گرفت و نظریات و انتقادات او موجب بیداری جامعه آن زمان شد. منشأ سومین جریان مؤثر در تعلیم و تربیت سده هجدهم انقلاب صنعتی بود که از حدود ۱۷۵۰ میلادی آغاز شد که به واقعه خاصی محدود نبود؛ بلکه حاصل یک سلسله تغییرات تدریجی بود که نخستین آنها در انگلستان به وقوع پیوست. پس از انقلاب صنعتی با پیچیده شدن تخصص‌ها، حرفه‌آموزی که از روزگاران کهن جزو وظایف اصناف و خانواده‌ها بود و در کارگاه‌ها و کارخانه‌های کوچک صورت می‌گرفت به مدارس واگذار شد و به تدریج با ایجاد گسترش مدارس فنی و حرفه‌ای، آموزش و پرورش در خدمت صنعت و اقتصاد جوامع در آمد. (ادیمی و همکاران، ۱۳۹۹)

از مدارس صنعتی آلمان و انگلستان که در ربع آخر سده هجدهم در اروپا توسعه یافت به عنوان نخستین مدارس حرفه‌ای می‌توان نام برد. این مدارس از دو بخش کار در کارخانه به‌منظور دریافت حقوق و آموزش در مدارس تشکیل شده بود که این امکان را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کرد که بتوانند شهریه مدرسه را بپردازند. برنامه مدارس صنعتی شامل یک ساعت آموزش خواندن و نوشتن و کار در کارخانه برای بقیه مدت بود در واقع ارتباط بین کار و آموزش وجود نداشت. مهم‌ترین اثر این مدارس این بود که دانش‌آموزان آلمانی تمایل زیادی برای به دست آوردن توانائی‌های فنی پیدا کردند و در انگلستان این امکان فراهم شد که بچه‌ها به مدرسه بروند چه در غیر این صورت به دلیل عدم توانائی آنها در پرداخت شهریه‌ای امر غیرممکن بود. با وجودی که اروپا از مدت‌ها پیش به این نتیجه رسیده بود که برای استفاده بهتر از امکانات و منابع طبیعی محدود خود باید بر نیروی انسانی خود سرمایه‌گذاری کند در آمریکا تا سال ۱۸۶۲ از آموزش حرفه‌ای در مدارس خبری نبود دلیل آن ۱- برخورداری از آب و هوا و خاک مناسب برای کشاورزی و منابع طبیعی بسیار و تأمین نیروی انسانی مورد نیاز از طریق مهاجران کارآمد و ماهر ۲- تعلیم و تربیت در آمریکا به عنوان وسیله‌ای برای حفظ و توسعه فرهنگ عمومی محسوب می‌شد. (ادیمی و همکاران، ۱۳۹۹)

تا اواخر قرن نوزدهم آموزش حرفه‌ای در اروپا شامل سه روش بود:

۱- تمرکز مدارس در مراکز صنعتی که برقراری رابطه نزدیک بین آموزش نظری و عملی را فراهم می‌کرد.
۲- دانش‌آموزان مدت معینی در کارخانه‌ها کارآموزی می‌کردند. این دو روش بیشتر در کشورهای آلمان، فرانسه و انگلیس به کار برده می‌شد.

۳- احداث کارگاهی با ویژگی‌ها و اهداف کارخانه‌های بزرگ در مدارس. این روش در کشورهای دیگر اروپا از جمله روسیه کاربرد داشت و در اواخر قرن نوزدهم در آمریکا نیز مورد استفاده قرار گرفت.

پس از جنگ جهانی اول گرایش روز افزونی به سودمندی بیشتر آموزش و پرورش به وجود آمد که به دو صورت حمله و انتقاد به برنامه‌های درسی سنتی و حرکت به سوی گسترش بیشتر آموزش حرفه‌ای بود، از آنجا که آلمان از کارآمدترین نیروی انسانی برخوردار بود سایر کشورها، پیشرفت آن را ناشی از توجه آن کشور به آموزش حرفه‌ای دانستند در نتیجه پس از جنگ اصلاحاتی در زمینه آموزش حرفه‌ای صورت گرفت اولین قدم در جهت حمایت از آموزش حرفه‌ای در ایالات متحده آمریکا با تصویب قانونی در سال ۱۹۱۷ میلادی برداشته شده که طبق آن برنامه آموزشی به حکومت مرکزی محول گردید و بودجه لازم جهت ارائه آموزش‌های کشاورزی، بازرگانی، اقتصاد خانواده و صنعتی تأمین گردید پس از آن مدارس حرفه‌ای فراوانی تأسیس شد. در کشورهای فرانسه انگلستان نیز اقدامات مشابهی در جهت توسعه آموزش حرفه‌ای صورت گرفت. در فاصله بین دو جنگ جهانی اول و دوم تلاشی برای پیوند بیشتر

آموزش و پرورش با نیازهای زندگی جدید، منجر به گسترش بیش از پیش آموزش فنی و حرفه‌ای در بسیاری از کشورهای جهان شد (امینی و همکاران، ۱۳۹۱).

پس از جنگ جهانی دوم، با پیشرفت‌های علمی و فنی بعد از جنگ و نیاز روزافزون جوامع به نیروهای ماهر و متخصص، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز گسترش بی‌سابقه‌ای یافت، اما تحولات در این زمینه در کشورهای مختلف متفاوت بود. تحولات گسترده و سریع در علوم و تکنولوژی و نقش آموزش فنی و حرفه‌ای در تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جوامع در کشورهای مختلف موجب شد که در سال ۱۹۸۷ میلادی مرکز جهانی علمی و فنی و فرهنگی (یونسکو) اقدام به تشکیل کنگره‌ای در مورد آموزش فنی و حرفه‌ای نماید. طبق آمارهای ارائه شده در این کنگره، در دهه‌های گذشته بسیاری از کشورها به منظور توسعه و احیای آموزش فنی و حرفه‌ای، قوانین و مقررات ویژه‌ای را وضع نمودند. این اقدامات با تغییر برنامه‌ها، روش‌ها و افزایش بودجه همراه بوده است. (تریانو و متیک، ۲۰۱۹).

چگونگی تأثیر تحولات صنعتی و تجاری اروپا در ایران

تحولات ناشی از انقلاب صنعتی و پیشرفت‌های علمی و صنعتی اروپا در ایران نیز بی‌تأثیر نبود، تولید انبوه و نیاز به مواد خام و لزوم دستیابی به بازارهای جدید از سوی اروپاییان و ضرورت دست‌یافتن به سلاح آتشین و جدید به علت وجود دشمن قدرتمندی همچون عثمانی از سوی نامداران ایران، موجب گسترش روابط ایران و اروپا در دوره صفوی شد. با سرازیر شدن کالاهای جدید به ایران، تجارت و سرمایه‌داری و در پی آن دانش و معارف اروپا در ایران تنفیذ کرد و از آنجا که علت بنیادی روی آوردن ایرانیان به اروپا، نیاز به جنگ‌افزار و سلاح جدید بود. نخستین دانشی هم که ایرانیان به آن روی آوردند، دانش نظامی بود. گرچه در دوره صفوی به دلیل توجه بسیار سلاطین به علوم دینی، تفسیر، فقه و علم حدیث، این علوم به اوج خود رسید و علمای بزرگی نیز در این رشته‌ها به ظهور رسیدند و با وجود اینکه توجه به هنر و صنایع و تشویق هنرمندان باعث شکوفایی هنرها و صنایع ایرانی گردید و شاهکارهای بسیاری نیز در زمینه‌های مختلف همچون معماری، کاشی‌کار، پارچه‌بافی، نقاشی، تذهیب، خطاطی و پدید آمد؛ اما این‌گونه هنرها در مدارس و مکاتب جایی نداشت و حرفه‌آموزی و آموزش هنرها و صنایع روز در کارگاه‌ها و کارخانه‌هایی که توسط افراد و دولت احداث می‌شد از طریق استاد شاگردی صورت می‌گرفت. (ریلی، ۲۰۲۲).

مهارت‌های فنی و حرفه‌ای از گذشته تا امروز

پیشینه تاریخی آموزش فنی و حرفه‌ای به فراهم کردن آموزش‌های ویژه شغلی برای جوانان طبقه کارگر بر می‌گردد. دنیای معاصر کار نیازمند معدودی از مهارت‌های دستی است که در قرن گذشته مطرح بودند. امروزه مدارک زیادی نشان می‌دهند که مهارت‌های کاری مورد نیاز در قرن ۲۱ شامل مهارت‌های فکری سطح بالا (استدلال، تصمیم‌سازی، حل مسئله)، انعطاف‌پذیری، مهارت‌های بین‌فردی و سواد فنی می‌باشند (لینچ، ۲۰۱۰). امروزه تقاضا برای نیروی کار چند مهارتی و توانا برای یادگیری مهارت‌های جدید به سرعت، هدف آموزش فنی و حرفه‌ای را تغییر داده است. (انصاری و همکاران، ۲۰۲۲).

و برخی از پژوهشگران امرسون و بانگ، (۱۹۸۲)، کروود و ستارسن (۱۹۹۸) به این نتیجه دست یافتند که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در تهیه برنامه‌های کیفی و مناسب با مشکلاتی از قبیل ارائه برنامه‌های قدیمی و فاقد کیفیت، تناسب محدود بین بازار کار محلی و نیازهای حرفه‌ای و صنعتی و فقدان فرصت‌های تجربی کار محلی مواجه است. عموماً آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای مزایای شغلی ناشی از آمادگی حرفه‌ای ویژه با تأکید بر مهارت‌های فنی و استخدامی پایه تدوین شده‌اند. (چوی و همکاران، ۲۰۱۹).

ولی در حال حاضر کارفرمایان دانش‌آموخته‌های فنی و حرفه‌ای را نیاز دارند که مهارت‌های غیرفنی و مهارت‌های عادی داشته باشند. این مهارت‌ها عبارت‌اند از دانستن روش یادگیری، صلاحیت در خواندن و نوشتن و محاسبه گوش‌دادن مؤثر، مهارت‌های ارتباطی کلامی، سازش‌پذیری از طریق تفکر خلاق و حل مسئله و مدیریت فردی با خودباوری قوی و مهارت‌های بین‌فردی، قابلیت کار تیمی و رهبری تأثیرگذار در حالی که در گذشته در صنعت تأکید بر مهارت‌های دستی بوده و سیستم کارخانه توسط انسان اداره و کنترل

⁷ Triyono & Mateeke

⁸ Rilly

⁹ Choi & at all

می‌شد. توسعه برای قابلیت اشتغال باید برتر از توسعه برای اشتغال قرار گیرد، تدارک نباید برای مهارت‌های شغلی ویژه باشد؛ بلکه باید برای قابلیت اشتغال عمومی، شامل مهارت‌های محرک، اجتماعی و ذهنی باشد. (اوکایو و آریمانو: ۲۰۱۶).

با توجه به اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه اقتصادی و اشتغال در طراحی نظام جدید آموزش متوسطه کوشش شد جهت‌گیری نظام آموزش متوسطه به سمت توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باهدف آموزش فنون و مهارت‌های مورد نیاز جامعه باشد؛ لذا با تأسیس شاخه کاردانش و توسعه آن با همکاری کلیه وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های دولتی و مؤسسات تولیدی و خدماتی شایع آنها و همچنین بخش‌های غیردولتی زمینه ارتباط با بخش‌های اقتصادی و بازار کار فراهم آمد. این موضوع در آیین‌نامه هیئت وزیران شماره ۲۷۷۶۳ ه ۴۴۴ مورخ ۲۸/۹/۱۳۷۱ در فصل سوم ماده ۱۷ و ۱۸ به‌صراحت بیان شده است. از آنجا که هدف کلی شاخه کاردانش تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات بر اساس نیازهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور اعلام شد در برنامه‌ریزی درسی رویکرد پاسخگویی به نیازهای بازار کار و صنعت مورد توجه قرار گرفت و محتوای برنامه‌های درسی بر مبنای تجزیه و تحلیل مشاغل تهیه و تدوین شد. در بعضی موارد نیز با تأسیس مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای در بخش خاصی از صنعت (مانند سیمان) برنامه و محتوای درسی با مشارکت و درخواست مستقیم بخش صنعت تهیه شد (شکاری و همکاران، ۱۳۸۹).

در دهه ۱۳۷۰ که نظام جدید آموزش متوسطه به اجرا در آمد اجرای شاخه کاردانش موجب توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شد. با وجود افزایش جمعیت دانش‌آموزی به‌ویژه در دوره متوسطه، سهم آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در ترکیب جمعیت دانش‌آموزی افزایش قابل‌توجهی یافت، به‌طوری که در پایان دهه ۱۳۷۰ (سال تحصیلی ۱۳۸۰-۱۳۷۹) نسبت دانش‌آموزان شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش به شاخه نظری به رقم ۳/۲۸ درصد رسید و پیش‌بینی شده است تا پایان برنامه سوم توسعه کشور به رقم ۳۵ درصد افزایش یابد.

ساختار نظام رسمی آموزشی فنی و حرفه‌ای فعلی ایران

پس از تهیه طرح کلیات نظام آموزش و پرورش، به دلیل اهمیت آموزش متوسطه و با توجه به حساسیت آن از نظر هدایت تحصیلی و شغلی، این مقطع آموزشی مورد توجه قرار گرفت، با تهیه مقدمات اجرای آزمایشی، از سال تحصیلی ۱۳۷۱ با تحت پوشش قرار گرفتن ده درصد دانش‌آموزان سال اول دبیرستان، نظام جدید آموزش متوسطه در کشور به اجرا در آمد. با اجرای نظام جدید آموزش متوسطه دگرگونی‌هایی در روند تربیت حرفه‌ای کشور پدید آمد. در واقع مهم‌ترین اصل تربیت حرفه‌ای در نظام جدید، ارتقای منزلت این نوع تربیت و رشد کمی و کیفی آن بوده است به این منظور نظام تربیت حرفه‌ای در دوشاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش برنامه‌ریزی و به مورد اجرا گذاشته شده با توجه به تفاوت‌هایی که در این دوشاخه تحصیلی وجود دارد، هر یک را به طور مجزا عبارت‌اند از:

شاخه فنی و حرفه‌ای: شاخه فنی و حرفه‌ای بخشی از نظام تربیت حرفه‌ای آموزش و پرورش محسوب می‌گردد که در گذشته نیز جریان داشته است. این بخش پس از تغییر نظام آموزش متوسطه با دگرگونی‌هایی در شیوه‌ی برنامه‌ریزی و تهیه محتوا، بر اساس اهداف زیر به فعالیت خود ادامه داده است:

اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی و پرورش ملکات و فضایل اخلاقی، بینش سیاسی و اجتماعی شناخت بهتر استعداد و علاقه دانش‌آموزان و ایجاد زمینه مناسب جهت هدایت آنان به سمت اشتغال مفید احراز آمادگی نسبی دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در رشته‌های علمی کاربردی تکنولوژی.

اهداف فوق‌بیانگر این است که این شاخه از آموزش متوسطه با جهت‌گیری دوگانه، دانش‌آموزان را برای ورود به بازار کار یا ادامه تحصیل در دوره‌های کاردانی آماده می‌کند. به همین دلیل برنامه‌ریزی شاخه آموزش فنی و حرفه‌ای از ابتدای تغییر نظام در قالب برنامه‌های پنج‌ساله که به تربیت تکنیسین منجر می‌شود، انجام گرفته است. این برنامه‌ها در اجرا به دلیل کمبود امکانات به دو قسمت یعنی دوره سه ساله متوسطه و دوره دوساله‌ی کاردانی تقسیم شده که فارغ‌التحصیلان دوره سه ساله پس از موفقیت در آزمون ورودی به مراکز کاردانی راه می‌یابند. با توجه به این موضوع و از آنجا که بسیاری از فراگیران در پایان دوره سه ساله | از نظام آموزشی خارج می‌شوند، در بازنگری نظام جدید آموزش متوسطه (۱۳۷۷) سعی شده که ضمن حفظ پیوستگی دوره‌ها در پایان مقطع سه ساله

متوسطه فارغ‌التحصیلان در حد امکان از مهارت‌های قابل اشتغال برخوردار شوند. طول مدت تحصیل در این شاخه از آموزش متوسطه سه سال است و برنامه‌ها در قالب حدود پنجاه رشته تحصیلی در سه زمینه صنعت، کشاورزی و خدمات طراحی شده، در هنرستان‌های کشور در حال اجرا می‌باشد (قاسم تبار و همکاران، ۱۴۰۰).

شاخه‌های کاردانش: کاردانش بخش جدیدی در نظام تربیتی کشور است که پس از تغییر نظام آموزش متوسطه طراحی و به اجرا در آمد. به طور کلی سمت‌گیری شاخه کاردانش در جهت آماده‌کردن جوانان مستعد برای توسعه خوداشتغالی و کارآفرینی است. این شاخه تحصیلی بر اساس اهداف زیر شکل گرفته است

با توجه به اهداف مذکور، می‌توان گفت تأکید شاخه کاردانش بر تربیت افراد برای شغل خاص است و به همین دلیل آموزش‌های آن نیز بیشتر جنبه کاربردی دارد. در کلیات نظام آموزش متوسطه (۱۳۷۵)، آموزش‌های کاردانش چنین تعریف شده است: آموزش‌های کاردانش به آموزش‌هایی اطلاق می‌شود که موجبات ارتقای دانش افراد و ایجاد مهارت‌های لازم و به فعلیت در آوردن استعدادها و نهفته آنان را فراهم می‌آورد تا آنها را برای احراز شغل، حرفه و کسب‌وکار مشخص آماده سازد و بامهارت آنها را برای انجام کاری که به آنان محول شده است تا سطح مطلوب افزایش بخشد، در واقع، تعریف ارائه شده از کاردانش نشان می‌دهد که این شاخه آموزشی به منظور مهارت‌آموزی و آماده‌کردن جوانان برای بازار کار و اشتغال طراحی شده است. شاخه کاردانش نیز مانند شاخه فنی و حرفه‌ای از سه زمینه صنعت، کشاورزی و دامپروری و خدمات تشکیل شده است. هر زمینه دارای یک یا چند گروه و هر گروه دارای یک یا چند رشته اصلی است. هر رشته اصلی نیز دارای یک یا چند رشته مهارتی می‌باشد که تا کنون صدها رشته مهارتی طراحی شده، بعضاً در حال اجرا می‌باشد (فتحی‌آذر و همکاران، ۱۳۹۷). بر این اساس در شاخه کاردانش رشته‌ها به صورت کاملاً تخصصی و تفکیک شده ارائه می‌شود.

به طور کلی برنامه‌ریزی شاخه کاردانش بر اساس استاندارد ملی مهارت انجام می‌گیرد؛ به این ترتیب که استانداردهای ملی از طریق مطابقت دادن استانداردهای بین‌المللی با امکانات کشور به وجود می‌آیند. در این بخش از آموزش متوسطه، دروس تخصصی به صورت واحدهای مهارتی ارائه می‌شود. درس‌های واحدهای مهارتی در آیین‌نامه آموزشی (۱۳۷۹) چنین تعریف شده است: درس‌های مهارتی آن دسته از درس‌های اختصاصی شاخه کاردانش است که از طریق آنها مهارت‌های حرفه‌ای مورد نیاز برای اشتغال به یک کار مفید به صورت نظری و عملی بر اساس استانداردهای مهارتی مربوطه آموزش داده می‌شود، واحدهای مهارتی شاخه کاردانش توسط وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف تهیه می‌شود. در واقع، برنامه‌های درسی شاخه کاردانش بر مشارکت همه دست‌اندرکاران آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کارفرمایان بنا نهاده شده است (شکاری و همکاران، ۱۳۸۹). به این معنی که متولی استانداردهای مهارتی سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها می‌باشند که در برخی موارد نیز این مراکز استانداردها را اجرا کرده، با برگزاری آزمون نهایی، گواهینامه مهارتی صادر می‌نمایند.

از تفاوت‌های اساسی دوشاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش، گستردگی رشته‌های مهارتی در شاخه کاردانش و نیز متفاوت بودن تعداد واحدهای عمومی و اختصاصی در دوشاخه تحصیلی است. به این ترتیب که تعداد واحدها و ساعات دروس عملی در شاخه کاردانش بیش از شاخه فنی و حرفه‌ای است و بنابراین درس‌های این شاخه بیشتر جنبه عملی دارد. علاوه بر این، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای اجرا می‌شود؛ در حالی که آموزش‌های کاردانش به جز دبیرستان‌های کاردانش، در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی، آموزشگاه‌های آزاد فنی و حرفه‌ای، سازمان‌ها و مؤسسات تولیدی و خدماتی و واحدهای آموزشی وابسته به وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی نیز ارائه می‌گردد. روش آموزش و تدریس در هر دوشاخه، به‌ویژه در بخش فنی و حرفه‌ای، به شیوه سنتی انجام می‌شود. به این ترتیب که مفاهیم و مهارت‌ها ابتدا توسط معلم آموزش داده شده سپس به شکل عملی در کارگاه با آزمایشگاه مدرسه توسط معلم و دانش‌آموز تمرین می‌شود (شریعتی و همکاران، ۱۳۹۸). بدیهی است در این شیوه به دلیل امکانات محدود مدارس و مجهز بودن کارگاه‌ها، دانش‌آموزان محیط واقعی کار را تجربه نکرده؛ بنابراین با ویژگی‌ها و محدودیت‌های محل کار نیز آشنا نمی‌شوند. البته درسی با عنوان کارآموزی در برنامه آموزشی دوره‌ی سه ساله فنی و حرفه‌ای و کاردانش گنجانده شده است که دانش‌آموزان در تابستان سال سوم، یعنی پایان مدت تحصیل، ملزم به گذراندن آن در محل‌های واقعی کار می‌باشند.

لیکن این دوره کارآموزی بر اساس برنامه دقیق و منسجم و با هماهنگی لازم مربیان و کارفرمایان انجام نمی‌گیرد، از این رو کارایی لازم را نداشته و بازخورد آن نیز به برنامه‌های درسی باز نمی‌گردد.

اهداف آموزش فنی و حرفه‌ای

یکی از هدف‌های اصلی هر نظام آموزش فنی و حرفه‌ای تربیت نیروهایی است که بتوانند در محیط کار از مهارت‌های کسب کرده خود در جریان آموزش به طور موفقیت‌آمیزی بهره‌برداری کنند و با کارایی بالا به انجام امور بپردازند (یاو، ۲۰۱۹). به عبارت دیگر افزایش کیفیت آموزش فنی و حرفه‌ای موجب بالارفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم می‌شود تحقق این هدف در مرحله اول مستلزم شناخت نیازهای بازار کار، کارایی و انعطاف‌پذیری نظام آموزشی است؛ لذا یکی از موانع عمده‌ای که بر سر راه اجرای نظام جدید آموزشی و تحقق اهداف آن وجود دارد نبود زمینه‌ها و شرایط لازم برای تحقق این ویژگی‌هاست که مانع انعطاف‌پذیری، کارآفرینی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر بازار کار می‌باشد در جهان امروز جامعه‌ای برتر است که بتواند با افراد خود تعاملی پویا برقرار کرده و تلاش نماید تا نیازهای مادی و معنوی نیروی انسانی خود را درک کند. این امر مستلزم شناخت افراد و خواسته‌های آنان است. یکی از راه‌های نیل به چنین هدفی توجه روزافزون به ارتقای سطح دانش، آموزش و تربیت نیروی انسانی کارآمد است اشتغال به کسب‌وکار، کسب مهارت لازم برای انجام شغل و بهبود شرایط زندگی از موضوعات مهمی است که مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران است. (سفیدگر، ۱۳۹۹) سند راهبردی سازمان فنی حرفه‌ای کشور در برگیرنده ۸ راهبرد، ۲۷ سیاست و بیش از ۲۴۵ برنامه و اهداف سازمانی با رویکرد کلی بسترسازی برای استقرار نظام جامع مهارت و فناوری است. از اهداف سند راهبردی مهارت و فناوری می‌توان به تحقق و پیاده‌سازی نظام و شرایط احراز شغل، بهبود اثربخشی و کارایی آموزش‌های مهارتی اشتغال، بسترسازی برای شکل‌گیری حفظ و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان جهت توسعه و توانمندسازی نیروی انسانی، تقویت حضور زنان در عرصه‌های مهارت‌آموزی، آموزش مهارت و سوق دادن به سمت اشتغال پایدار و کاهش فقر و بیکاری و ... اشاره نمود منابع انسانی پایه و اساس ثروت ملل است، سرمایه و منابع طبیعی عوامل منفعل تولیدند و نیروی انسانی به طور فعال سرمایه را انباشت می‌کند و منابع طبیعی را به کار می‌گیرد. علاوه بر آن نیروی انسانی نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را بنا می‌کند و توسعه را پایه‌گذاری می‌کند (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹).

رابطه کسب مهارت‌ها با اشتغال

سنگ زیربنای موفقیت، به درک ارزش مهارت‌ها از سوی افراد، شرکت‌ها و دستگاه‌های دولتی وابسته است. بیشتر افراد و سازمان‌ها باید متقاعد شوند که موفقیت در آینده وابسته به ارتقا سطح مهارت‌هایشان است. اگر افراد و سازمان‌ها باور کنند که ارتقا مهارت‌ها امری ارزشمند است آن را در اولویت قرار می‌دهند به تلاش در مقیاس بزرگ‌تری از سوی همه طرف‌های درگیر نیاز است. حالا زمان بازسازی از طریق تلاش‌های مستمر است. ضروری است سرمایه‌گذاری بر مهارت‌ها توسط همه سهام‌داران به عنوان راه‌حل کلیدی غلبه بر بحران و زمینه‌سازی برای توسعه پایدار در نظر گرفته شود که به حفظ نیروی کار و حمایت استراتژیک از بخش‌های مهم برای ایجاد مشاغل پایدار کمک خواهد کرد. بحران همچنین به برخی از گروه‌ها خصوصاً جوانان و مهاجران ضربه خواهد زد. قابلیت اشتغال این گروه‌ها یکی از شاخص‌های تحقق عدالت اجتماعی است. اهمیت دادن به مهارت‌ها به عنوان ابزاری برای کسب موفقیت هزینه‌های دولت را افزایش می‌دهد. سهم مسئولیت دولت، نهادهای عمومی، کارفرمایان و افراد باید مورد بازاندیشی قرار گیرد. ضروری است کارفرمایان و افراد به میزان تقاضا برای کسب مهارت، مشارکتشان را افزایش دهند. نهادهای دولتی نقش کلیدی در این بازی دارند؛ چون نهادهای دولتی خودشان کارفرماهای بزرگی هستند. اقدامات صورت‌گرفته برای افزایش منافع و یا کاهش هزینه مهارت‌ها، حجم سرمایه‌گذاری بر روی مهارت‌ها توسط کارفرمایان و افراد را افزایش می‌دهد. (ادیمی و همکاران، ۱۳۹۹).

دولت‌ها مسئولیت اصلی برای بهبود اشتغال و سیستم‌های آموزش شغلی و حرفه‌ای را بر عهده دارند. تأمین بودجه در شرایط بد اقتصادی هزینه‌های دولت را افزایش می‌دهد؛ بنابراین دولت‌ها باید پاسخگویی سیستم‌های آموزشی به نیازهای فراگیران و کارفرمایان را مدنظر قرار دهند. عملکرد و پاسخگویی سیستم‌های آموزش شغلی و حرفه‌ای عامل مهمی در غلبه بر بحران جاری و کمک به رشد در بلندمدت محسوب می‌شود. این چالش‌ها و فرصت‌ها زمانی مطرح می‌شود که اغلب کشورهای عضو اتحادیه اروپا با موانع جدی مالی مواجه می‌باشند. در تعیین اولویت‌ها در خصوص تأمین بودجه برای آموزش‌های شغلی و حرفه‌ای به انتخاب‌های روشن و معقول نیاز داریم. ضروری است افراد و کارفرماها را به سرمایه‌گذاری بیشتر برای توسعه مهارت‌هایشان به منظور دستیابی به منافع حاصل از به‌کارگیری پتانسیل افراد ترغیب نماییم (انصاری و همکاران، ۱۳۹۹).

رابطه میان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و ایجاد اشتغال در بازار کار

یکی از ویژگی‌های مهم هر نظام اقتصادی در هم تنیدگی ساختارهای آموزش و اشتغال است، باید بپذیریم آموزش برای ایجاد مهارت‌های مورد نیاز یکی از مؤثرترین راه‌هایی است که می‌تواند جامعه را در دستیابی به توسعه اقتصادی و رشد و پایداری یاری نماید. به عبارتی ارتباط ارگانیک کار و آموزش همواره در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی هم‌زمان با یکدیگر در نظر بوده است در واقع، هر آموزشی باید بازدهی یا توجیه اقتصادی داشته باشد که عالی‌ترین نوع آن ایجاد اشتغال متناسب با فراگیر است. بروز پدیده جهانی شدن در روند اقتصاد، افزایش رقابت‌های بین‌المللی و تحولات ناشی از توسعه و پراکندگی‌های جغرافیایی در بازار کار اهمیت نیاز به استراتژی سیستم آموزش را افزایش می‌بخشد. آموزش به‌خاطر این است که کاربرد داشته باشد. آموزشی که کاربرد نداشته باشد ارزش علمی ندارد. اکثر کشورهای جهان تلاش‌های تازه‌ای را برای تقویت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آغاز کرده‌اند. انگیزه این تلاش‌ها، فائق آمدن بر مشکلات بیکاری جوانان، ارتقای مهارت‌های شغلی و تأمین نیازهای اقتصادی است و این باور وجود دارد که کسب مهارت موجب ارتقای بهره‌وری و قابلیت رقابت در اقتصاد جهانی می‌شود (جعفری هرندی، رضا ۱۳۹۴) اما نکته حائز اهمیت آن است که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای همیشه بایستی از بازار جلوتر باشد تا کاربردی عمل کند. اگر بخواهیم آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کاربرد داشته باشد بایستی با وسایل و ملزومات مورد استفاده در زندگی همخوانی داشته باشد. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بایستی به‌گونه‌ای باشد که فرد فراگیر پس از گذراندن کارگاه‌های آموزشی خود بتواند سریعاً در بازار جذب شده و یک منبع در آمدی برای خود دست و پا کند. (جلیلیان، ۱۳۹۶).

پیشینه تحقیق:

پیشینه داخلی

میرجلالی (۱۴۰۰) به ارزیابی مهارت‌های مختلف اشتغال دانش‌آموختگان زن در رشته معماری دانشکده فنی و حرفه‌ای دخترانه یزد پرداخت. هدف از این پژوهش بررسی میزان کاربرد مهارت‌های اشتغال دانش‌آموختگان زن در رشته معماری هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای دخترانه بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مهارت‌های مورد نیاز بازار کار برای جذب و به‌کارگیری دانش‌آموختگان زن فارغ‌التحصیل معماری، به ترتیب اهمیت، مهارت‌های فنی، مهارت‌های اجتماعی، مهارت در استفاده از فناوری مناسب، مهارت‌های کار گروهی، تفکر و نگرش سیستماتیک، کار است و مهارت‌های مدیریت پروژه، مهارت در کار با داده‌ها و اطلاعات. بر اساس یافته‌ها، برای افزایش نرخ اشتغال فارغ‌التحصیلان، باید سیاست و جهت‌گیری نظام آموزشی به‌منظور تقویت و ارتقای بیشتر مهارت‌های مورد نیاز در بازار کار تغییر یابد.

علی احمدی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی مدیریت تحول آموزش فنی و حرفه‌ای در ساحت‌های اقتصادی - حرفه‌ای و علمی - فناوری پرداختند. نتایج نشان داد که از نظر خبرگان آموزشی هدف‌های ساحت‌های اقتصادی - حرفه‌ای و علمی - فناوری، در

کتاب‌های تخصصی نظام جدید تا حد قابل قبولی برآورد می‌شود. مفاهیم حاصل از این پژوهش، نظیر کشف معانی، اولویت‌ها، نگرش‌ها، سازمان‌یافتگی، رشد و شایستگی‌های فنی و علمی، به مدیران فنی و حرفه‌ای کمک می‌کند تا زیر نظام‌های برنامه درسی در همه سطوح آموزش عمومی، فنی و مهارتی را طراحی نمایند.

انصاری و همکاران (۱۴۰۱) الگوی مؤثر آموزش فنی و حرفه‌ای بر بازار کار را مورد بررسی قرار داده‌اند. این مطالعه ترکیبی با هدف ارائه مدل همکاری بین بازار کار و آموزش فنی و حرفه‌ای با استفاده از روش اکتشافی و مدل معادلات ساختاری انجام شد. جامعه کیفی شامل اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران آموزش و مدیریت بازرگانی و کارشناسان سازمان‌های فنی و حرفه‌ای بود که به روش نمونه‌گیری غیرتصادفی و هدفمند گلوله برفی (۱۰ نفر) انتخاب شدند. در مجموع هشت مؤلفه و ۷۰ شاخص شناسایی و در نهایت برای ارائه مدل مورد تأیید کارشناسان قرار گرفت. فناوری، منابع انسانی، آموزش‌های مهارتی، نگرش کارآفرینانه، آموزش شغلی، رفتارهای کارآفرینانه، فرصت‌های شغلی در بازار کار و مسیر شغلی در بازار کار به عنوان ابعادی در تدوین الگوی مناسب برای سنجش همکاری بین بازار کار و فنی‌شناسایی شدند.

رضائی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی موانع کارآفرینی آموزش‌دیدگان فنی و حرفه‌ای (مطالعه موردی شهرستان زاهدان) پرداختند. نتایج نشان دهنده آن است که از نظر مشارکت کنندگان در تحقیق حاضر، معیارهای دستیابی به شغل، ویژگی‌های اساتید فنی و حرفه‌ای، برنامه آموزشی و درسی فنی و حرفه‌ای، قوانین، روابط و ساختار حاکم بر فنی و حرفه‌ای، انتخاب رشته مهارتی مانعی برای کارآفرینی آموزش‌دیدگان فنی و حرفه‌ای در شهرستان زاهدان می‌باشد.

جمشیدی و همکاران (۱۳۹۸) به ارائه الگوی تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار از دیدگاه صاحبان صنایع شهر یزد بر اساس نظریه داده‌بنیاد پرداختند. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت با استفاده از راهبردهای نیازسنجی، مشارکت ذی‌نفعان، آموزش مربیان، همکاری‌های داخلی و خارجی، آینده‌پژوهی شغلی، آمایش سرزمینی و برنامه‌ریزی، آشنایی دانش‌آموزان با بازار کار، و مشاوره و هدایت شغلی، می‌توان تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار را محقق کرد.

میرحسینی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به بررسی نقش کارگاه‌های آموزشی در ارتقا مدیریت کتابخانه‌های دانشگاه آزاد اسلامی منطقه هشت از دیدگاه مدیران پرداختند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه سازمان یافته استفاده شد و میزان ضریب اعتماد یا پایایی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶ است. روایی صوری-محتوایی ابزار نیز توسط چند تن از متخصصان علم اطلاعات مورد تأیید قرار گرفت. جامعه آماری این پژوهش به طور جمع ۱۹ واحد دانشگاهی از کلیه کارکنان و مدیران کتابخانه‌های دانشگاه آزاد منطقه ۸ به تعداد ۱۰۰ نفر است که ۹۴ نفر به پرسشنامه پاسخ دادند. از نرم افزار اس.پی.اس.اس. برای تجزیه و تحلیل آماری استفاده شده است. یافته‌ها: طبق نتایج، آموزش‌های ضمن خدمت موجب افزایش مهارت شغلی با میانگین ۳/۲۶، دانش شغلی با میانگین ۳/۴۶ و نظم و دقت با میانگین ۳/۰۹، ایجاد علاقه‌مندی نسبت به شغل خویش با میانگین ۳/۲۲، افزایش میزان استقلال در انجام وظایف

شغلی با میانگین ۳/۱۹ و رفع مشکلات با میانگین ۳/۰۰ می شود. یافته ها همچنین نشان می دهد که آموزش ضمن خدمت، انگیزه های نیروی انسانی را برای رسیدن به اهداف سازمان با میانگین ۳/۲۰ را تقویت می کند. در زمینه ارتقا شغلی مشاهده گردید که دوره های آموزشی با میانگین ۳/۱۱ مطلوب بوده و و باعث ایجاد انگیزه در ارتقا شغلی می شود، اما لزوماً منجر به گرفتن امتیاز برای ارتقا با توجه به میانگین ۲/۲۴ نیست. نتیجه گیری: نتایج نشان داد که از دیدگاه مدیران مشارکت و یادگیری مهارت های مورد نیاز ارتقا شغلی، سرعت، دقت و نظم، روحیه احترام گذاشتن، برنامه ریزی و کنجکاوی، قدرت ارائه نظر و اطاعت پذیری، انگیزه و مسئولیت پذیری از طریق شرکت در دوره های آموزشی در سطح متوسط و نسبتاً مطلوب افزایش یافته است.

پیشینه خارجی:

آخمیتو و همکاران، (۲۰۱۹) به بررسی مکانیزم مدیریتی آموزش حرفه ای روسیه پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که اقتصادهای مدرن مستلزم آموزش نسل جدید متخصصان فنی آماده برای پروژه های مهندسی، تولید و فناوری، سازمانی و مدیریتی، علمی و پژوهشی، خدماتی و همچنین انجام کار ماهر با استفاده از تجهیزات مدرن برای توسعه فناوری هستند که آموزش فنی و حرفه ای می تواند این امکان را از طریق ایجاد یک مکانیسم مدیریتی برای آموزش متخصصان فنی برای سیستم اقتصادی روسیه فراهم کند.

آمیچی و همکاران، (۲۰۱۹) به بررسی استراتژی های آموزشی مؤثر بر یادگیری مهارت های عملی در برنامه های آموزش فنی و حرفه ای در نیجریه پرداختند. آموزش و یادگیری مهارت های عملی در مؤسسات آموزش فنی و حرفه ای مستلزم راهبردهای اساسی از جمله: القای نگرش های صحیح و دانش فنی، استفاده از روش های آموزشی نوین، اجرای برنامه تجربه کار عملی در صنایع است. هاسان فنیدیک (۲۰۱۹) به بررسی نقش آموزش عالی فنی و حرفه ای و پیامدهای آن در پرتقال پرداخت. تحلیل ها نشان می دهد که تأکید بر تحقیقات پروژه محور کوتاه مدت در آموزش دوره های کوتاه می تواند مهارت و یادگیری را نیروی کار را در سطح سازمانی تقویت کند.

ریلی (۲۰۲۱) در مقاله به درک هدف و جایگاه آموزش و پرورش فنی و حرفه ای پرداخته است. باو نیروی کار ماهر را نیروی کار ماهر را ستون فقرات هر جامعه و اقتصاد می داند؛ زیرا کارگران دانش و مهارت های خود را برای بهبود وضعیت جامعه به کار می گیرند.

ریاندا و همکاران، (۲۰۲۱) در مقاله خود به بررسی پارادایم جدید آموزش و آموزش فنی و حرفه ای پرداختند و بیان می کنند که چارچوب فکری حاضر در آموزش فنی و حرفه ای نیازمند بازنگری و تغییرات جدید در راستای اثربخش کردن آموزش های موجود

- | | |
|----------------------------|---|
| ¹ Akhmito & Els | 2 |
| ¹ Amichi & Els | 3 |
| ¹ Hassan | 4 |
| ¹ Relly | 5 |

می‌باشد. با توجه به اینکه جهان دائماً در حال تغییر و دگرگونی است و مشاغل جدید با مهارت‌های گوناگون متولد می‌شوند، ساختار آموزشی نیز باید دانش‌آموزان برای نقش‌آفرینی در عرصه‌های جدید آماده کند.

کرانگی (۲۰۲۱) به نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در تقویت توانمندی اقتصادی زنان در اوگاندا پرداخته است. هدف کلی تحقیق بررسی نقش آموزش حرفه‌ای بر توانمندسازی اقتصادی زنان بود. یافته‌های تحقیق نشان داد که آموزش‌های حرفه‌ای مانند خیاطی، آرایشگری، فروشندگی، مهمان‌نوازی، آشپزی و ... باعث مشارکت و حضور آنان در امر تولید بر مبنای برابر با مردان می‌شود. راهکارهای دستیابی به این فرایند را سرمایه‌گذاری، تجهیز زنان به مهارت‌های حرفه‌ای، استفاده از منابع موجود در جامعه و به‌کارگیری افراد با استفاده از آموزش‌های حرفه‌ای مهارت‌های حرفه‌ای، دسترسی زنان به تسهیلات اعتباری بیان کرده است.

تریانو و موزیس (۲۰۱۹) نقش آموزش و پرورش و آموزش فنی و حرفه‌ای در اندونزی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد آموزش فنی و حرفه‌ای در اندونزی همراه با رفع نیازهای کارگران ماهر بوده است. این تأثیر در ابعاد جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی در سطح محلی، بین‌المللی، ملی و یا حتی در مقیاس‌های کوچک و متوسط تبدیل خود را نشان داده است. هم‌چنین برای برآوردن نیازهای نیروی کار ماهر امروزی و پیش‌بینی‌شده در سال ۲۰۳۰، اندونزی در حال اجرای برنامه احیای آموزش حرفه‌ای است که هم در دوره متوسطه (دبیرستان حرفه‌ای) و هم در سطح آموزش عالی اجرا می‌شود.

بورتل (۲۰۱۵) در تحقیقی تأثیر آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای در توسعه نیروی کار را مورد بررسی قرار داد. او آموزش فنی و حرفه‌ای را به‌عنوان کلید توسعه مهارت و توسعه اقتصادی کشورها می‌داند.

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی - همبستگی است. تحقیق همبستگی correlational study یکی از انواع روش تحقیق است که در آن پژوهشگر می‌کوشد تا نوع رابطه میان یک چند متغیر را شناسایی یا درک نماید. به بیان ساده، تحقیقات همبستگی در پی ترسیم نوع رابط میان متغیرها هستند.

برای جمع‌آوری اطلاعات ابتدا با روش کتابخانه‌ای، کتاب‌ها، مجلات نشریات و مقالات فارسی و انگلیسی موجود در این زمینه و منابع مربوط به مفاهیمی چون کارگاه‌های آموزشی، مهارت‌های شغلی و فردی جنبه‌های مختلف آن مطالعه و گردآوری گردید. پس از آن به‌منظور با بررسی‌های میدانی از طریق توزیع پرسشنامه در نمونه آماری مورد بررسی، به تکمیل اطلاعات و داده‌های موردنیاز برای بررسی سؤالات پژوهش اقدام شده است.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

¹ Rianda & Els	6
¹ Krongi	7
¹ Triyano & Mossis	8

جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه مهارت آموزان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهر مهاباد در دوره تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ می‌باشند که تعداد آن‌ها ۱۳۹۳ بود. حجم نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و با استفاده از فرمول کوکران ۳۰۰ نفر انتخاب گردید.

روش گردآوری اطلاعات (میدانی، کتابخانه‌ای و غیره)

محقق جهت مطالعه و گردآوری اطلاعات پیرامون ادبیات، مبانی نظری و پیشینه پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده نموده است. روش کتابخانه‌ای در تمام تحقیقات علمی مورداستفاده قرار می‌گیرد و در بعضی از آنها موضوع تحقیق از نظر روش، از آغاز تا انتها متکی بر یافته‌های تحقیق کتابخانه‌ای است. در تحقیقاتی که ماهیت کتابخانه‌ای ندارند نیز محققان ناگزیر از کاربرد روش کتابخانه‌ای در تحقیق خود هستند. در این گروه تحقیقات، محقق باید ادبیات و سوابق مسئله و موضوع تحقیق را مطالعه کند. در نتیجه، باید از روش کتابخانه‌ای استفاده کند و نتایج مطالعات خود را در ابزار مناسب شامل فیش، جدول و فرم ثبت و نگهداری و در پایان به طبقه‌بندی و بهره‌برداری از آنها اقدام کند.

- میدانی (پرسشنامه): در این تحقیق از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است..

پایایی پرسش‌نامه‌ها

برای تعیین پایایی روش‌های مختلفی وجود دارد در این تحقیق برای مشخص نمودن پایایی پرسش‌نامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. این روش برای محاسبه همبستگی درونی ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسش‌نامه‌ها با آزمون‌هایی که ویژگی‌های مختلفی را اندازه‌گیری می‌کنند به کار می‌رود. در این‌گونه ابزار، پاسخ هر سؤال می‌تواند مقادیر عددی مختلفی را اختیار کند. برای محاسبه ضریب آلفا ابتدا باید واریانس نمره‌های هر زیرمجموعه سؤال‌های پرسش‌نامه یا زیر آزمون او واریانس کل را محاسبه کرد. سپس با استفاده از فرمول زیر مقدار ضریب آلفا را محاسبه کرد.

جهت سنجش پایایی پرسش‌نامه‌های این پژوهش نیز از آلفای کرونباخ استفاده شده است که پایایی پرسش‌نامه اثر سنجی سؤالات کارگاه‌های آموزشی ۰/۷۶ و پایایی پرسش‌نامه تأثیرگذاری کارگاه‌های آموزشی بر آینده شغلی دانش‌آموزان ۰/۶۹ برآورد گردید که حاکی از پایایی بالای ابزارهای مورداستفاده می‌باشد.

روایی پرسش‌نامه:

جهت سنجش روایی محتوایی و صوری از نظرات کارشناسان و متخصصان استفاده گردید. روایی محتوایی این اطمینان را به وجود می‌آورد که مقیاس شامل یک سری موارد کافی و نمونه برای استفاده از مفهوم است و هر چه موارد معرف مفهومی که اندازه‌گیری می‌شود بیشتر باشد روایی محتوایی آن بیشتر خواهد بود. در خصوص روایی صوری سیف (۱۳۷۶) اشاره دارد که این نوع روایی یکی از مشخصات روایی محتوایی است و حاوی این مطلب است که سؤالات آزمون تا چه حد در ظاهر شبیه به موضوعی هستند که برای

اندازه‌گیری آن تهیه شده‌اند. اعتبار محتوای این پرسشنامه توسط اساتید راهنما و مشاور و چند نفر از افراد مطلع و متخصص از جمله اساتید حوزه مشاوره مورد تأیید قرار گرفته است و از اعتبار لازم برخوردار بود.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی از طریق مشخصه‌های آماری نظیر فراوانی، میانگین، واریانس و انحراف معیار و در بخش استنباطی از آزمون t و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

آمار استنباطی:

بررسی نرمال بودن داده‌ها

به منظور بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شده که نتایج آن در ذیل مشخص شده است.

جدول ۴-۴ نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف

متغیر	مقدار آماره	سطح معناداری	نتیجه (نرمال/غیرنرمال بودن توزیع)
تأثیر آموزش‌ها بر آینده و چشم‌انداز شغلی	۰/۹۷۱	۰/۳۰۳	نرمال

داده‌ها از توزیع نرمال پیروی می‌کنند و می‌توان برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

آزمون فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه اصلی: برگزاری کارگاه‌های آموزشی بر آینده شغلی دانش‌آموزان هنرستان‌های شهرستان مهاباد تأثیرگذار بوده است.

برای بررسی اثربخشی کارگاه‌های آموزشی برگزار شده بر آینده شغلی دانش‌آموزان در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان مهاباد در از روش تی تک‌متغیره استفاده شد که نتایج آن در جدول (۴-۱۰) ارائه شده است.

جدول (۴-۷) تأثیر آموزش‌های کارگاهی هنرستان‌های مهاباد بر آینده شغلی دانش‌آموزان بر اساس مدل کریک پاتریک با میانگین فرضی ۳

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
بررسی تأثیر کارگاه‌های آموزشی بر آینده شغلی	۳/۵۲	۰/۷۷	۹/۲۱	۳۰۰	۰/۰۰۰

بر اساس یافته‌های جدول (۴-۷) میانگین نمره اثربخشی کارگاه‌های آموزشی برگزار شده در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان مهاباد، ۳/۵۲ می‌باشد. T محاسبه شده از t جدول بزرگ‌تر بوده است؛ بنابراین نمره اثربخشی کارگاه‌های آموزشی برگزار شده در از دیدگاه دانش‌آموزان، بیشتر از سطح متوسط می‌باشد که به لحاظ آماری معنادار می‌باشد

تحلیل رگرسیون:

برگزاری کارگاه‌های آموزشی بر آینده شغلی دانش‌آموزان هنرستان‌های شهرستان مهاباد تأثیرگذار بوده است.

برای آزمون فرضیه اصلی بایستی از رگرسیون چندگانه استفاده کرد؛ زیرا در این فرضیه هدف بررسی تأثیرات اثربخشی کارگاه‌های آموزشی بر آینده شغلی دانش‌آموزان است.

جدول ۴-۱۰ تحلیل رگرسیون ابعاد چندگانه ابعاد اثربخشی کارگاه‌های آموزشی

خطای معیار برآورد	تعدیل شده r^2	ضریب تعیین R^2	ضریب همبستگی R	متغیر پیش‌بین
۰/۲۰۶	۰/۸۵۱	۰/۸۵۵	۰/۹۲۴	اثربخشی کارگاه‌های آموزشی

با توجه به اطلاعات جدول تحلیل رگرسیون (۱۱-۴): ضریب همبستگی بین اثربخشی کارگاه‌های آموزشی بر آینده شغلی دانش‌آموزان برابر با ۹۲.۴٪ درصد و ضریب تعیین تعدیل شده ۸۵.۵٪ درصد می‌باشد؛ بنابراین اثربخشی کارگاه‌های آموزشی هم‌زمان می‌تواند به میزان ۸۵.۵٪ آینده شغلی دانش‌آموزان شهرستان مهاباد را پیش‌بینی کنند.

جدول ۴-۱۱ نتایج تحلیل واریانس رگرسیون چندگانه اثربخشی کارگاه‌های آموزشی

سطح معنی‌داری	F	میانگین توان‌های دوم	درجه آزادی	مجموع توان‌های دوم	مدل
۰/۰۰۰	۲۳۶/۶۸۴	۱۰/۰۹۱	۴	۴۰/۳۶۶	رگرسیون
-	-	۰/۰۴۳	۱۶۱	۶/۸۶۴	باقیمانده
-	-	-	۱۶۵	۴۷/۲۳۰	مجموع

اطلاعات تحلیل واریانس جدول ۴-۱۱، نشان می‌دهد که مقدار F محاسبه شده برای اثربخشی کارگاه‌های آموزشی برابر با ۲۸۶/۲۳۹ می‌باشد.

لذا با توجه به این که سطح معنی‌داری کوچک‌تر از سطح خطاست. مقدار $0.001 < Sig = 0.000$ می‌باشد، در نتیجه معادله رگرسیونی مورد تأیید قرار می‌گیرد به این ترتیب ضریب تعیین مشاهده شده در معادله رگرسیون چندگانه از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد. در نتیجه مدل در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار بوده و به همین دلیل می‌توان ادعا کرد که "اثربخشی کارگاه‌های آموزشی" بر آینده شغلی دانش‌آموزان شهرستان مهاباد تأثیر دارند، و با توجه به نتایج تحلیل واریانس جداول فوق با توجه به سطح معنی‌داری آزمون، کفایت مدل رگرسیون چندگانه را تأیید نموده و خطی بودن مدل را نشان می‌دهد.

یافته‌های جانبی تحقیق

جنسیت:

آیا بین نظرات افراد در مورد اثربخشی کارگاه‌های آموزشی برگزار شده در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان مهاباد با توجه به عوامل جمعیت شناختی (سن، جنسیت و پایه تحصیلی) تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟
به منظور مقایسه اثربخشی کارگاه‌های برگزار شده از لحاظ جنسیت و بررسی معنی‌داری تفاوت میانگین‌ها از آزمون t مستقل استفاده شده است. این آزمون برای مقایسه میانگین‌های دو گروه مستقل (مانند زنان و مردان) به کار می‌رود.

قبل از اجرای آزمون t مستقل باید شرط برابری واریانس دو گروه بررسی شود که با استفاده از آزمون F انجام می‌شود. در صورتی که سطح معنی‌داری آزمون F از 0.05 بزرگ‌تر باشد، در این صورت فرض برابری واریانس‌ها پذیرفته می‌شود. در غیر این صورت نتایج آزمون t در حالت عدم برابری واریانس‌ها بررسی می‌شود.

جدول ۴-۱۲: نتایج آزمون F برای بررسی فرض برابری واریانس متغیر اثربخشی کارگاه‌ها

آماره F	Sig
۱/۰۷۷	۰/۳۰۰

همان‌طور که جدول ۴-۱۲ نشان می‌دهد سطح معنی‌داری آزمون F از 0.05 بزرگ‌تر است، در این صورت فرض برابری واریانس " اثربخشی کارگاه‌های برگزار شده " در دو گروه پذیرفته می‌شود؛ بنابراین نتایج آزمون t در حالت برابری واریانس‌ها در جدول زیر ارائه می‌شود.

جدول ۴-۱۳: نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین اثربخشی کارگاه‌های برگزار شده زن و مرد

گروه	میانگین	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین	t مشاهده شده	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
دختر	۳/۸۵	۰/۴۶	۰/۰۰	۰/۰۷۴	۳۸۰	۰/۹۴۱
پسر	۳/۳۳	۰/۴۳				

مطابق جدول ۴-۱۳ سطح معنی‌داری آزمون t بزرگ‌تر از 0.05 است ($P=0.380$ و $t=0.941$)؛ بنابراین فرض صفر رد نمی‌شود و می‌توان نتیجه گرفت بین میانگین نمرات " اثربخشی کارگاه‌های برگزار شده " تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

سن

به‌منظور مقایسه اثربخشی کارگاه‌های برگزار شده از لحاظ سن ابتدا در جدول زیر آماره‌های توصیفی اثربخشی کارگاه‌های برگزار شده به تفکیک سن ارائه و سپس به‌منظور بررسی معنی‌داری تفاوت میانگین‌ها از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است.

جدول ۴-۱۴: آماره‌های توصیفی اثربخشی کارگاه‌های برگزار شده به تفکیک سن

سن	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
۱۶	۱۴۱	۳/۳۱	۰/۴۵
۱۷	۳۰۱	۳/۳۶	۰/۴۳
۱۸	۲۳۱	۳/۳۸	۰/۴۳
کل	۳۰۰	۳/۳۴	۰/۴۵

یکی از پیش‌شرط‌های استفاده از تحلیل واریانس یک‌طرفه، برابری واریانس گروه‌های مورد مطالعه است که با استفاده از آزمون F انجام می‌شود. در صورتی که سطح معنی‌داری آزمون F از 0.05 بزرگ‌تر باشد، در این صورت فرض برابری واریانس‌ها پذیرفته می‌شود.

جدول ۴-۱۵: نتایج آزمون F برای بررسی فرض برابری واریانس اثربخشی کارگاه‌های برگزار شده در گروه‌های سنی مختلف

آماره آزمون F	df1	df2	Sig
۰/۹۰۰	۳	۳۹۶	۰/۴۴۱

همان‌طور که جدول ۴-۱۵ نشان می‌دهد سطح معنی‌داری آزمون F از 0.05 بزرگ‌تر است، در این صورت فرض برابری واریانس " اثربخشی کارگاه‌های برگزار شده " در گروه‌های مختلف پذیرفته می‌شود. اکنون نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه در جدول ۴-۱۶ ارائه می‌شود.

جدول ۴-۱۶: نتایج تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه میانگین اثربخشی کارگاه‌های برگزار شده در گروه‌های سنی مختلف

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
بین گروه‌ها	۰/۳۴۹	۳	۰/۱۱۱	۰/۵۷۷	۰/۶۳۰
درون گروه‌ها	۷۹/۹۵۵	۳۹۶	۰/۲۰۲		
کل	۸۰/۳۰۴	۳۹۹			

مطابق جدول ۴-۱۶، سطح معنی داری آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است ($P=0/630$ و $F=0/577$)؛ بنابراین فرض صفر رد نمی‌شود و می‌توان نتیجه گرفت بین میانگین نمرات " اثربخشی کارگاه‌های برگزار شده" در گروه‌های سنی مختلف تفاوت معنی داری وجود ندارد.

پایه تحصیلی

به منظور مقایسه اثربخشی کارگاه‌های برگزار شده از لحاظ مقطع تحصیلی ابتدا در جدول زیر آماره‌های توصیفی اثربخشی کارگاه‌های برگزار شده به تفکیک مقطع ارائه و سپس به منظور بررسی معنی داری تفاوت میانگین‌ها از تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است.

جدول ۴-۱۷: آماره‌های توصیفی اثربخشی کارگاه‌های برگزار شده به تفکیک مقطع تحصیلی

مقطع تحصیلی	میانگین	انحراف استاندارد
پایه دهم	۳/۲۱	۰/۴۱
پایه یازدهم	۳/۳۶	۰/۴۴
پایه دوازدهم	۳/۳۲	۰/۴۵
کل	۳/۳۴	۰/۴۵

یکی از پیش شرط‌های استفاده از تحلیل واریانس یک طرفه، برابری واریانس گروه‌های مورد مطالعه است که با استفاده از آزمون لَوْن انجام می‌شود. در صورتی که سطح معنی داری آزمون لَوْن از ۰/۰۵ بزرگ‌تر باشد، در این صورت فرض برابری واریانس‌ها پذیرفته می‌شود.

جدول ۴-۱۸: نتایج آزمون لَوْن برای بررسی فرض برابری واریانس اثربخشی کارگاه‌های برگزار شده در مقطع تحصیلی

آماره آزمون	df1	df2	Sig
اثربخشی کارگاه‌های برگزار شده	۳	۳۹۶	۰/۴۰۳

همان‌طور که جدول ۴-۱۸ نشان می‌دهد سطح معنی داری آزمون لَوْن از ۰/۰۵ بزرگ‌تر است، در این صورت فرض برابری واریانس " اثربخشی کارگاه‌های برگزار شده" در گروه‌های مختلف پذیرفته می‌شود. اکنون نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در جدول زیر ارائه می‌شود.

جدول ۴-۱۹: نتایج تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه میانگین اثربخشی کارگاه‌های برگزار شده در مقطع تحصیلی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
بین گروه‌ها	۰/۵۸۷	۳	۰/۱۹۶	۰/۹۷۳	۰/۴۰۶
درون گروه‌ها	۷۹/۷۱۷	۳۹۶	۰/۲۰۱		
کل	۸۰/۳۰۴	۳۹۹			

مطابق جدول ۴-۱۹، سطح معنی داری آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است ($P=0/406$ و $F=0/973$)؛ بنابراین فرض صفر رد نمی‌شود و می‌توان نتیجه گرفت بین میانگین نمرات " اثربخشی کارگاه‌های برگزار شده" در مقطع تحصیلی تفاوت معنی داری وجود ندارد.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با توجه به درک واقعیات موجود به بررسی اثرگذاری کارگاه های آموزشی بر آینده شغلی دانش آموزان هنرستان های شهرستان مهاباد مدنظر قرار داده تا به واسطه آن ضمن آگاهی برنامه ریزان آموزش از میزان اثربخشی آموزش های ارائه شده و پی بردن به نقاط قوت و ضعف، اثربخشی آموزش های ارائه شده را بهبود و ارتقا دهند.

فرضیه تحقیق

۱- کارگاه های آموزشی بر آینده شغلی دانش آموزان هنرستان های شهرستان مهاباد تأثیرگذار بوده است.

این پژوهش روش توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری آن را کلیه دانش آموزان فنی و حرفه ای شهر مهاباد که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ مشغول به تحصیلی هستند تشکیل می دهند که تعداد آن ها برابر با ۱۳۹۳ نفر می باشد و نمونه گیری خوشه ای تعداد ۳۰۰ نفر به روش نمونه گیری تصادفی - ساده به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه ۴۰ سؤالی محقق ساخته استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آمار استنباطی شامل آزمون کولموگروف اسپرنوف برای نرمال بودن داده ها از آزمون T تک نمونه ای و رگرسیون استفاده شده است.

یافته های پژوهش

یافته های آمار توصیفی جدول و نمودار ۱-۴ بیانگر آن است که ۶۳ درصد از پاسخگویان را مرد و ۳۶ درصد را زن تشکیل می دهند. جدول و نمودار ۲-۴ بیانگر آن است که ۲۸ درصد از پاسخگویان ۱۶ سال، ۳۸ درصد ۱۷ سال و همچنین ۳۴ درصد ۱۸ سال سن تشکیل می دهند.

جدول ۳-۴ بیانگر آن است که ۲۷ درصد از پاسخگویان پایه دهم، ۳۷ درصد ۱۷ پایه دوازدهم و همچنین ۳۶ درصد از دانش آموزان پایه دوازدهم تشکیل می دهند.

یافته های آمار استنباطی

فرضیه تحقیق: برگزاری کارگاه های آموزشی بر آینده شغلی دانش آموزان هنرستان های شهرستان مهاباد تأثیرگذار بوده است.

مطابق یافته های جدول (۴-۷) نشان داد که میانگین اثربخشی کارگاه های آموزشی برگزار شده در مراکز آموزش فنی و حرفه ای شهرستان مهاباد، ۳/۵۲ می باشد. T محاسبه شده از جدول بزرگ تر بوده است؛ بنابراین نمره اثربخشی کارگاه های آموزشی برگزار شده بر اساس مدل کریک پاتریک، بیشتر از سطح متوسط می باشد که به لحاظ آماری معنادار می باشد. نتایج تحقیق با تحقیق رضائی و همکاران (۱۳۹۹) مبنی بر اینکه معیارهای ویژگی های اساتید فنی و حرفه ای، برنامه آموزشی و درسی فنی و حرفه ای، قوانین، روابط و

ساختار حاکم بر فنی و حرفه‌ای، انتخاب رشته مهارتی دستیابی به شغل معیارهایی برای کارآفرینی آموزش دیدگان فنی و حرفه‌ای در شهرستان زاهدان همسو می‌باشد.

در همسویی با این تحقیق، ریلی (۲۰۲۳) در مقاله به درک هدف و جایگاه آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای پرداخته است. وی نیروی کار ماهر را نیروی کار ماهر را ستون فقرات هر جامعه و اقتصاد می‌داند؛ زیرا کارگران دانش و مهارت‌های خود را برای بهبود وضعیت جامعه به کار می‌گیرند و آموزش این نیروها را از وظایف اصلی مراکز فنی و حرفه‌ای می‌داند.

آخمیتو و همکاران، (۲۰۱۴) نیز به بررسی مکانیزم مدیریتی آموزش حرفه‌ای روسیه پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که اقتصادهای مدرن مستلزم آموزش نسل جدید متخصصان فنی آماده برای پروژه‌های مهندسی، تولید و فناوری، سازمانی و مدیریتی، علمی و پژوهشی، خدماتی و همچنین انجام کار ماهر با استفاده از تجهیزات مدرن برای توسعه فناوری هستند که آموزش فنی و حرفه‌ای می‌تواند این امکان را از طریق ایجاد یک مکانیسم مدیریتی برای آموزش متخصصان فنی برای سیستم اقتصادی روسیه فراهم کند.

در تبیین این یافته می‌توان گفت، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کند. آموزش فنی و حرفه‌ای با اتکای به مهارت‌های کسب شده دانش‌آموزان را برای به دست آوردن جایگاه‌های شغلی بیشتر آماده می‌سازد و همین بینش باعث گردیده است که در بیشتر کشورهای جهان حتی در سیستم‌های تعلیم و تربیت آنها از دیرباز در کنار مقاطع تحصیلی آموزش‌های عمومی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مدنظر واقع گردند. این آموزش‌ها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده‌دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصاد این کشورها می‌باشند، بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی، به حل مشکل بیکاری کمک می‌کنند. از سوی دیگر، این آموزش‌ها با توأم کردن مهارت‌های جهانی این امکان را برای آموزش‌دیده فراهم می‌کنند که همسویی بیشتری با نیازهای بازار کار داشته و از این طریق امکان بیشتری برای جذب آنها در فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی فراهم شود؛ لذا تأثیر آموزش‌های فنی حرفه‌ای بر آینده شغلی دانش‌آموزان منطقی به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری مبتنی بر یافته‌های جانبی پژوهش:

آیا بین نظرات افراد در مورد اثربخشی کارگاه‌های آموزشی برگزار شده در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان مهاباد با توجه به عوامل جمعیت‌شناسی (سن، جنسیت، نوع اشتغال، وضعیت اشتغال، نوع دوره، تحصیلات، سابقه خدمت و گروه مهارتی) تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین نظرات افراد در مورد اثربخشی کارگاه‌های آموزشی بر اساس مدل کریک پاتریک بر حسب جنسیت، سن و سال تحصیلی تفاوت وجود ندارد و بیشتر در راستای نیازهای شغلی آنها بوده است.

نتیجه‌گیری کلی

این پژوهش به منظور ارزیابی اثربخشی مهارت‌های ارائه شده در مراکز فنی و حرفه‌ای شهرستان مهاباد به انجام رسیده است. به طور کلی ارزیابی انجام شده بر اساس متغیرهای تحقیق نشان از اثربخشی کارگاه‌های آموزشی برگزار شده بر آینده شغلی در مراکز فنی و حرفه‌ای شهرستان مهاباد از دیدگاه شرکت‌کنندگان دارد. همگرایی اکثر قریب به اتفاق پژوهش‌های انجام شده در دو دهه گذشته در رابطه با ارزیابی اثربخشی آموزش حکایت از آن دارد که صرف هزینه و وقت در راه آموزش و تربیت نیروی انسانی، سرمایه‌گذاری محسوب شده و ثمرهای جز ارتقای موقعیت و جایگاه سازمان، فرد آموزش‌دیده و جامعه را در بر نداشته و از این طریق حتی نیازهای روحی، معنوی و مادی جوامع انسانی تأمین می‌گردد. گسترش روزافزون مراکز آموزش عمومی، عالی و حرفه‌آموزی خود دلیلی بر این مدعا است که بدون توسل به آموزش، راه توسعه و پیشرفت جوامع به‌کندی پیش رفته و در این میان آنچه که از اهمیت ویژه برخوردار است، فراهم آوردن تمهیدات لازم اعم از محتوی به روز و کاربردی، ابزار آموزش متناسب با نیازهای فراگیران، بهره‌گیری از مدرسان باتجربه و آموزش‌دیده، نیازسنجی و اولویت‌دهی به نیازهای تحصیلی و شغلی متناسب با موقعیت هر شهر و یا منطقه می‌باشد. با این رویه و طی این فرایند توسط مدیرانی شایسته، دارای برنامه و کارا که به حمایت از آموزش مستمر برخاسته، ثمره تلاش انسان و سازمان‌ها به بار نشست و واکنش توأم با رضایت متقاضیان آموزش و سازمان‌های مربوطه را به دنبال خواهد داشت و لذا هر کجا هم که به‌وسیله تحقیقات و اگر اثربخشی آموزش در دوره‌ای خاص حاصل نشده، دلیل آن را که در اصل آموزش بلکه باید در میان عوامل تأثیرگذار بر فرایند آموزش اعم از عوامل انسانی، مادی و یا سیاست‌های سازمان‌ها جستجو نمود. هر چند که شاخص‌های بیان شده در فصل چهارم، اثربخشی آموزش را از دیدگاه دانش‌آموزان نشان می‌دهد؛ ولی نهادینه نمودن فرایند ارزیابی اثربخشی در سازمان‌ها و به‌ویژه ادارات فنی و حرفه‌ای به‌وسیله سازمان مرکزی و یا از طریق پژوهشگران، از ضروریاتی است که باید مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته و در اهداف آموزشی سازمان گنجانده شود.

فراهم نمودن امکانات و تجهیزات آموزشی و دیگر ملزومات برای کارگاه‌های آموزشی سرمایه‌گذاری قابل توجهی را می‌طلبید و بدین لحاظ آگاهی از میزان رضایت، یادگیری، رفتار و پیامدهای این آموزش‌ها نیازمند آن است تا فرایند ارزیابی قبل از آموزش، در حین، پایان و در محیط‌های کاری به صورت جدی مورد توجه متولیان فنی و حرفه‌ای شهرستان قرار گیرد. لذا فراهم نمودن ساز و کاری اداری در درون سیستم فنی و حرفه‌ای از مقدمات دستیابی به این مهم می‌باشد. به بیان دیگر با تعریف کارشناسی ارزیابی در درون چارت سازمانی ادارات شهرستان با تحصیلات مرتبط در حوزه ارزیابی، می‌توان بطور برنامه‌ریزی شده از نتایج و بازخورد فعالیت‌های مراکز فنی و حرفه‌ای در بین جامعه و بویژه دانش‌آموزان در کارگاه‌های آموزشی آگاهی‌های لازم و مورد نیاز را بدست آورد. که با

دستیابی به این اطلاعات و نتایج حاصل از آن می‌توان در مقاطع زمانی مختلف از به هدر رفتن سرمایه گذاری‌ها و توانمندی نیروی انسانی که عمر خویش را صرف فراگیری این آموزش‌ها نموده اند، جلوگیری به عمل آورد و با طراحی مهارت‌هایی متناسب با نیازهای جامعه، جوانان جویای کار و متقاضیان اثربخشی این آموزش‌ها را افزایش داد.

منابع :

- ۱- انصاری، ارش؛ قاسم زاده، ابوالفضل؛ وحدت، رقیه (۱۳۹۹)، «مدل پارادایمی ارتباط بین بازار کار و آموزش فنی و حرفه‌ای از دیدگاه مدیران آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای، مدیران و صاحبان صنایع استان آذربایجان غربی، مجله علمی-پژوهشی مهارت آموزی، پاییز ۱۳۹۹- شماره ۳۳ (۱۸ صفحه - از ۷ تا ۲۴)
- ۲- ایمنی، اعظم، روشن، فریده، آزادی پور، فهیمه. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی سلامت، بهداشت و ایمنی کارگاه‌های آموزشی اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان اصفهان. مهارت آموزی، ۴(۱۶)، ۳۰-۷.
- ۳- ادیمی، سلطانعلی؛ شهریاری، جلیل؛ آزادی‌خواه، ام البنین؛ رضائی، مرضیه (۱۹۹)، بررسی موانع کارآفرینی آموزش دیدگان فنی و حرفه‌ای (مطالعه موردی شهرستان زاهدان)؛ مجله علمی-پژوهشی مهارت آموزی» زمستان - شماره ۳۴، صص ۱۲۳ تا ۱۴۶ .
- ۴- جلیلیان، سهیلا؛ مهرعلیزاده، یداله و مرعشی. منصور. (۱۳۹۶). بررسی میزان انطباق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای آموزشی بخش صنایع در شهرستان خرمشهر، مجله علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۸(۱)، ۱۳۱-۱۵۰.
- ۵- جعفری هرنندی، رضا. (۱۳۹۴). بررسی میزان کارایی بیرونی دانشگاه فنی و حرفه‌ای. فصلنامه مطالعات اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی، ۹، ۱۹۸-۱۷۳.
- ۶- حاتمی؛ حسین(۱۳۸۸)، ارزیابی و سنجش اثربخشی آموزش های ضمن خدمت دفتر مطالعات نیروی انسانی در ارتقای عملکرد مدیران، هیئت علمی و کارکنان واحدهای دانشگاهی منطقه ی یک دانشگاه آزاد اسلامی، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی سال دوم پاییز ۱۳۸۸ شماره ۵.
- ۷- رحیمی، ذبیح اله؛ امیریان زاده، مژگان؛ احمدی، عبادالله صالحی، مسلم (۱۳۹۹)، ارزیابی مدل مدیریت استراتژیک در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مجله علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، «بهمن و اسفند ۱۳۹۹ - شماره ۴۶ رتبه (۲۴ صفحه - از ۴۷ تا ۷۰)
- ۸- سفیدگر، سرور؛ علی احمدی جشقانی، حسین؛ علی احمدی، علیرضا (۱۳۹۹)، مدیریت تحول آموزش فنی و حرفه‌ای در ساحت‌های اقتصادی -حرفه‌ای و علمی - فناوری، مجله علمی-پژوهشی پژوهشنامه‌ی مدیریت اجرایی، نیمه‌ی دوم ۱۳۹۹، سال دوازدهم - شماره ۲۴ رتبه (26/ ISC صفحه - از ۲۶۹ تا ۲۹۴).

۹- شریعتی، فرهاد؛ نویسنده: امین بیدختی، علی اکبر؛ نجفی، محمود (۱۳۹۸)، ارائه مدلی جهت بهبود کیفیت آموزش های فنی و حرفه ای: با توجه به الزامات اقتصاد مبتنی بر دانش، مجله علمی-پژوهشی پژوهش در نظام های آموزشی، زمستان ۱۳۹۸ - شماره ۴۷، صفحه - از ۴۱ تا ۵۴).

۱۰- شاکری، محسن؛ برزگر بفرولی، کاظم و جمشیدی، محمدعلی. (۱۳۹۸). ارائه الگوی تناسب آموزش های فنی و حرفه ای با نیازهای بازار کار از دیدگاه صاحبان صنایع شهر یزد براساس نظریه داده بنیاد. فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۳۹-۵۸.

۱۱- شکاری، عباس و صدیقی ارفعی، فریبرز (۱۳۸۹). عوامل اجتماعی، خانوادگی و فردی موثر بر انتخاب رشته های فنی و حرفه ای دانش آموزان، مجله تازه های پژوهش در برنامه درسی، ۱ (۱)، صص ۴۸-۳۵.

۱۲- فتحی آذر، اسکندر؛ میکائیلو، غلامحسین؛ ادیب، یوسف و خلاق، علی اصغر (۱۳۹۷). روش های مطلوب ارزشیابی در الگوی آموزش همراه با تولید در هنرستان های کار دانش. فصلنامه مطالعات اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی، ۷۹-۱۰۸، ۲۲.

۱۳- قاسم تبار، امیر؛ قاسم تبار، عبدالله (۱۴۰۰)، شناسایی محاسن و معایب آموزش مجازی از دیدگاه مربیان آموزش فنی و حرفه ای استان قزوین؛ مجله رتبه علمی-پژوهشی مهارت آموزی، تابستان - شماره ۳۶ (۳۰ صفحه - از ۲۵ تا ۵۴).

14-Nooruddin, S. (2017). Technical and vocational education and training for economic growth in Pakistan. *Journal of Education and Educational Development*, 4(1), 130.

15-Choi, S. J., Jeong, J. C., & Kim, S. N. (2019). Impact of vocational education and training on adult -۱۲ skills and employment: An applied multilevel analysis. *International Journal of Educational Development*, 66, 129-138

16-Hasanefendic, S., Heitor, M., & Horta, H. (2016). Training students for new jobs: The role of technical and vocational higher education and implications for science policy in Portugal. *Technological Forecasting and Social Change*, 113, 328-340.

17-Relly, S. J. (2022). Understanding the Purpose and Standing of Technical and Vocational Education and Training. In *The Standing of Vocational Education and the Occupations It Serves* (pp. 49-62). Springer, Cham.

18-Okoye, R., & Arimonu, M. O. (2016). Technical and Vocational Education in Nigeria: Issues, Challenges and a Way Forward. *Journal of Education and Practice*, 7(3), 113-118.

19-Yao, Y. (2019). Does higher education expansion enhance productivity? *Journal of Macroeconomics*, 59, 169-194..